

واکاوی و تحلیل تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی

حسن دانایی‌فرد*، معصومه مصطفی‌زاده**، محمدرضا صادقی***

چکیده

هر نظام سیاسی با هر نوع ایدئولوژی سیاسی از نوعی دستگاه حکمرانی ملی برخوردار است. رکن اصلی این دستگاه، خط مشی‌های عمومی هر کشوری است. بسته به نوع دستگاه به جوهره خط‌مشی‌های عمومی (عقلایی، سیاسی، گفتمانی، نهادی، آشفته) حضور یا کم‌رنگی حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های ملی نمود می‌یابد. از این رو میزان مشارکت مردم یا مشارکت کم مردم خود ره‌آورد چنین خط‌مشی‌هایی است. دعوت مردم به سکوت در قبال برخی از موضوع‌های ملی از قبل پیام‌هایی که خط‌مشی‌های عمومی ابلاغ می‌کنند، جنبه عملی به خود می‌گیرد. از این رو در همه کشورها بنا به ماهیت نظام سیاسی و خط‌مشی‌های عمومی آن‌ها درجه‌ای از سکوت ملی وجود دارد. بی‌تردید کم‌رنگ شدن حضور مردم (افزایش سکوت ملی) تبعات منفی‌ای برای نظام‌های سیاسی در پی خواهد داشت. مقاله حاضر برای نخستین بار با توسل به نوعی پژوهش کیفی تلاش کرده است تبعات سکوت ملی برای نظام‌های سیاسی را واکاوی و رهنمودهایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: سکوت ملی؛ نظریه ماریپیچ سکوت؛ تبعات سکوت ملی؛ نظام‌های سیاسی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۲/۷.

* دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس.

** دانشجوی دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

E-mail: Mmostafazadeh64@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

در عصر حاضر موجودیت هیچ کشور و ملتی بدون حکومت قابل تصور نیست. هر جامعه‌ای از نوعی نظام سیاسی برخوردار است که حاکم بر آن می‌باشد. بیشتر نظام‌های سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را از مردم آن جامعه می‌گیرد. ارتباط نزدیک حکومت و مردم لازمه ادامه حیات یک نظام سیاسی است. مردم هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت خود تحت لوای حکومت آن کشور دارند ضمن اینکه حق دارند در مورد مسائلی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند اظهارنظر کرده و تصمیم‌گیری‌های اساسی را تعدیل کنند. چنین به نظر می‌رسد که مردم یک کشور نمی‌توانند نسبت به برنامه‌هایی که برای آینده‌شان رقم زده می‌شود بی‌تفاوت باشند. یکی از شاخص‌های نظام‌های سیاسی که از زمان ارسطو تاکنون مورد توجه بوده است مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. مشارکت سیاسی (دموکراسی) یکی از معیارهای اساسی سنجش عملکرد حکومت‌هاست. مشارکت سیاسی طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که یک سوی آن شرکت در رأی‌گیری و سوی دیگر شرکت در قیامی جمعی برای ایجاد دگرگونی‌های بنیادین در جامعه است (سیدامامی، ۱۳۸۶)؛ اما آیا انسان امروز در انتخاب‌هایش آزادی دارد؟ آیا می‌تواند از خواسته‌هایش سخن بگوید و در مواردی که تحت تأثیر تصمیم‌های سیاسی نادرست متضرر می‌شود اعتراضی کند؟ عصر حاضر سرشار از فشارهایی است که انسان‌ها را بیش از پیش، هدف قرار داده‌اند. آن‌ها از طریق الگوها و مدل‌ها، مکانیسم‌ها، تبلیغات رسانه‌ها^۱ و غیره به طرز چشم‌گیر و روزافزونی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و در بسیاری از موقعیت‌ها راهی جز سکوت ندارند. این عارضه‌ای است که در هر اجتماعی روی می‌دهد و به کشور و ملت خاصی اختصاص ندارد. نمی‌توان ادعا کرد که ملتی عاری از این پدیده به حیات خود ادامه می‌دهد؛ چرا که درجاتی از سکوت در هر جامعه‌ای قابل پیش‌بینی و مشاهده است. عواملی نظیر سطح سواد و آگاهی، سطح رفاه، سنت، نژاد و قومیت، باورهای مذهبی، درجه شهرنشینی و غیره مشارکت شهروندان را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد (دوز و لیپست، ۱۳۷۳). عدم مشارکت و بی‌تفاوتی یعنی سکوت آن‌ها را نیز متأثر خواهد ساخت. به نظر می‌رسد علل بروز این پدیده در سطوح مختلف فردی، گروهی، سازمانی و ملی هر آنچه که باشد پیامدهای گاه غیرقابل جبرانی را برای آن فرد، سازمان و جامعه در پی خواهد داشت. شاید این‌گونه به نظر برسد که در دنیای امروز جایی برای واژه‌ای به نام سکوت نمانده است. ما در خانه تلویزیون‌های خود را روشن می‌کنیم، در اتومبیل به رادیو گوش می‌دهیم، هر چند سال یک بار با هدف تعیین سرنوشت خود پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شویم، پشت تریبون‌های آزاد می‌رویم و سخن می‌گوییم و در هر مکانی باشیم صداهای اطرافمان همواره آن

قدر هستند که تفکر در مورد مسئله‌ای به نام سکوت را از ذهن ما پاک کنند؛ اما در دنیایی که هر روز از صداهای مختلف آکنده می‌شود سکوت مسئله مهمی شده است چرا که به جوامع جهت می‌دهد بی‌آنکه صدایی از اکثریت انسان‌ها در آن منعکس شود. گاه این تنها نخبگان و کارگزاران سیاسی هستند که به مردم می‌گویند چگونه فکر کنند و به چه چیزی بپردازند و چه موضوعاتی برایش مهم باشند. آیا این چیزی غیر از سکوت جامعه است؟ سکوتی که گاه پیامدهای غیرقابل جبرانی خواهد داشت که شاید در بحرانی‌ترین شرایط منجر به شورش شود. امروزه شاهد آنیم که اپیدمی سکوت مانند امواجی هولناک در بسیاری از کشورهای جهان به راه افتاده است. امواجی که ابتدا آن قدر آرام و گاه لذت‌بخش است که حتی عده‌ای با شوق به استقبال آن می‌روند غافل از اینکه با سیلی مواجه هستند که پس از گذر آن متوجه پیامدهای منفی‌اش خواهند شد. گویا این پدیده همان قدر که نامحسوس و آرام و بی‌حاشیه است، پر از تنش، چالش و تشعشعات خطرناکی است که ریشه‌های درخت جوامع را در گذر زمان می‌خشکاند و آن را تبدیل به پوسته‌ای می‌کند که با کوچک‌ترین ناملایمت خواهد شکست. به عنوان مثال همگان چنین می‌اندیشند که بحران ۲۰۱۴ اوکراین ریشه در دخالت آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه دارد درحالی‌که با بررسی عمیق‌تر و تاریخی می‌توان به علل داخلی آن پی‌برد. ریشه مشکلات کنونی اوضاع نابه‌سامان اقتصادی، فساد مالی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و رقابت‌های الیگارش‌های صاحب نفوذ در اوکراین است. مردم اوکراین پس از یک دهه سکوت که از سال ۲۰۰۴ با روی کار آمدن رئیس‌جمهور ویکتور یوشچنکو شروع شده بود صدایی بر این سکوت سردادند، آن را شکستند و خواهان پلورالیزم شدند.

عوامل متعددی در شکل‌گیری پدیده سکوت ملی نقش دارند اما نظریه‌های اندکی در این زمینه ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها نظریه ماریچ سکوت^۱ است که توسط نوئل نئومن^۲ دانشمند علوم سیاسی در سال ۱۹۷۴ مطرح شده است. نخستین بار در سال ۱۳۸۸ دانایی‌فرد (۱۳۸۸) ایده نظریه اولیه سکوت ملی را در کنفرانس مدیریت استراتژیک مطرح کرد. لازم به یادآوری است که در حوزه موضوعی سکوت، پژوهش‌های پیشین، چه خارجی (Malami, & Zaiton, 2013; Tahmasebi, Sobhanipour, & Aghaziarati, 2013; Deniz, Noyan, & Gülen Ertosun, 2013; Shojaie, Zaree Matin, & Barani, 2011; Wang, & Hsieh, 2013; Bell et al., 2011; Brinsfield, 2013; Park, & Keil, 2009; Morrison, & Milliken, 2000; Bowen, & Blackmon, 2003; Candi, 2009; Cage, 1961; Ephratt, 2008) و چه داخلی (دانایی‌فرد، فانی، و براتی، ۱۳۹۰؛ زارعی متین، طاهری، و سیار، ۱۳۹۰؛ دانایی‌فرد و پناهی، ۱۳۸۹) همگی بر موضوع مشخص سکوت سازمانی (سطح خرد)، علل و فرایندها و پیامدهای آن متمرکز بوده‌اند و پدیده سکوت در سطح ملی (سطح

1. Spiral of Silence Theory

2. Noelle-Neumann

کلان) تاکنون به صورت پژوهش دانشگاهی با استفاده از روش‌های علمی کمتر مورد توجه بوده است. با بررسی بیشتر در زمینه شکل‌گیری پدیده سکوت ملی به نظر می‌رسد ریشه‌یابی و شناسایی عوامل شکل‌دهنده آن ضرورتی غیرقابل انکار است و نیاز به تفحص و کاوش عمیق، مطالعه ابعاد چندگانه و جستجو از منظرهای گوناگون دارد.

با توجه به این امر، هدف‌های پژوهش حاضر واکاوی مفهوم سکوت ملی و شناسایی تبعات و عواقب احتمالی ناشی از غلبه سکوت ملی در نظام‌های سیاسی است

- بررسی یکسان بودن اهمیت ابعاد تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی

از این رو این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- سکوت ملی چیست و نظریات آن کدام‌اند؟

- در صورت وجود پدیده سکوت ملی، چه حوزه‌هایی دچار مشکل می‌شوند؟

- تبعات ناشی از سکوت ملی در نظام‌های سیاسی چیست و آیا این تبعات احتمالی، اهمیت یکسانی دارند؟

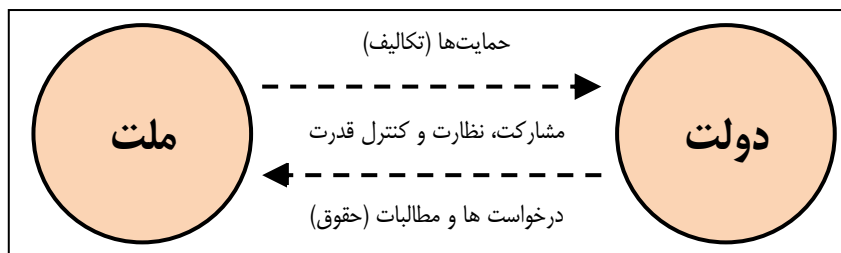
نکته مهم آن است که پدیده سکوت ملی در هر کشوری به میزانی وجود دارد از این رو پیامدهای آن اگرچه از متخصصان ایرانی احصاء شده است ولی در مورد همه کشورها می‌تواند صادق باشد زیرا در هنگام پرسش‌های کیفی صرفاً ایران مد نظر نبوده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکومت محملی است که اراده ملت در آن متجلی می‌شود، از بطن ملت برخاسته و هدفی جز خدمت به آن ندارد از این رو تصور حکومت بدون مردم غیرممکن به نظر می‌رسد. با توجه به این امر مشارکت مردم در عرصه‌های ملی و تعیین سرنوشت آینده‌شان اجتناب‌ناپذیر است. مشارکت سیاسی به معنای مختلف همواره مورد چالش بوده است. برخی آن را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی یا همکاری با میل و رغبت در بهبود وضعیت اجتماعی می‌دانند. برخی دیگر آن را درگیری فکری و احساسی افراد در گروه‌های سیاسی و شرکت در امور سیاسی و انتخاب رهبران سیاسی می‌دانند. مشارکت سیاسی ترکیبی وصفی است که ناظر بر مشارکت شهروندان در انتخاب رهبران خویش، شرکت فعال در فرایند تصمیم‌های و نیز نظارت بر قدرت سیاسی است. مجموعه‌ای از تلاش‌های فعال سیاسی است که در جستجوی حمایت یا اصلاح تصمیم‌های مدیران سیاسی است، بنابراین مردم هم در گزینش رهبران سیاسی حضور فعال دارند و هم در فرآیندهای سیاسی و نظارت، نقش تعیین‌کننده دارند. شکل یک رابطه تنگاتنگ دولت و مردم را به روشنی نشان می‌دهد (لکزایی و مقیمی، ۱۳۹۰).

اهمیت حضور و مشارکت مردم در امور حکومت در اسلام نیز بدان میزان است که حتی در

مواردی که امامان معصوم از جانب خداوند به حکومت منصوب می‌شدند این مردم بودند که با حمایت‌های خود از طریق بیعت کردن، زمینه برپایی حکومت آن‌ها را فراهم می‌آوردند. آن‌ها با بیعت کردن ضمن نشان دادن وفاداری خود به شخص حاکم یا خلیفه، ولایت وی را پذیرفته و متعهد می‌شدند که برای تداوم حیات حکومت از هیچ تلاشی اعم از مادی و معنوی دریغ نکنند. در فقه اسلام که اساس نظام سیاسی حاکم بر کشور ما نیز می‌باشد مبانی فقهی موجود، افعال انسان‌ها را بر اساس بایدها و نبایدها ضابطه‌مند می‌کنند و در عرصه سیاسی کنش سیاسی شهروندان را تحت احکام دینی قرار می‌دهند (لکزایی و مقیمی، ۱۳۹۰). فقه اسلامی در حمایت از حضور مردم در صحنه سیاست و تضمین مشارکت آن‌ها ابزارهای مختلفی را در اختیارشان قرار داده است. یکی از این ابزارها شوراهای هستند که با هدف کارآمدتر کردن حکومت در نظام اسلامی و تحقق حق مشارکت مردم بر سرنوشت خودشان تشکیل می‌شوند (رجبی، ۱۳۹۲). امر به معروف و نهی از منکر ابزار دیگری است که در صورت به‌کارگیری درست و مناسب، ثبات سیاسی را به همراه دارد و دلالت بر اهمیت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی در نظام اسلامی دارد چرا که همه مسلمانان را به مشارکت در سرنوشت سیاسی اجتماعی خود مکلف می‌کند. تشکیل احزاب و مشارکت در فعالیت‌های آن‌ها نیز در جامعه اسلامی مورد حمایت است همان‌طور که حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی فقدان احزاب را نشانه توسعه‌نیافتگی سیاسی، فقدان فرهنگ مشارکتی و رقابت سیاسی سالم می‌داند و برای فعالیت‌های احزاب اهمیت قائل‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۲).



شکل ۱. نمودار مشارکت سیاسی (لکزایی و مقیمی، ۱۳۹۰)

در هر حال در فضای مشارکت است که سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد و مردمی که فضا را برای انتقاد سازنده مناسب می‌بینند نظرات خود را در جهت بهبود امور بیان می‌کنند. به این ترتیب عقده‌ها انباشته نمی‌شود و وارد فضا شده و بازخور مناسب را دریافت می‌کنند. در چنین فضای باز اجتماعی دوستی مدنی رخ می‌دهد، شهروندان با یکدیگر و با حاکمان روابط مساعد و دوستانه‌ای برقرار می‌کنند و خوشبختی و نشاط در پرتو چنین رابطه‌ای حاصل می‌شود؛ اما عکس

این وضعیت نیز رخ می‌دهد و آن زمانی است که مردم تمایلی به ابراز عقاید و نظرات خود ندارند و در فرایندهایی که در جهت تعیین خط‌مشی‌های^۱ کشور و ترسیم آینده‌شان است مشارکت نمی‌جویند. تعامل و همیاری اجتماعی جای خود را به انزوآگزینی و تک‌روی می‌دهد و الگوهای رفتاری جدید و متفاوتی شکل می‌گیرند که این موقعیت را تشدید می‌کنند. در این حالت است که سکوت ملی و بالتبع از بین رفتن سرمایه اجتماعی از طریق عدم مشارکت شهروندان رخ می‌دهد و موقعیتی ایجاد می‌شود که در بحرانی‌ترین حالت حتی منجر به فروپاشی خواهد شد. البته عدم دخالت یا مشارکت اندک ممکن است جز عواملی باشند که از کنترل فرد خارج هستند برای مثال ممکن است در حالتی آشکارا به گروه‌های معینی از افراد حق رسمی و یا قانونی مشارکت داده نشود و یا با توسل به زور، از حقوق آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی جلوگیری به عمل آید (Rush, 1992). در برخی از موارد مردم در هیچ شکلی حق دخالت و اظهارنظر ندارند و این حکومت است که مسیر حرکت را مشخص کرده و همگان بدون هیچ اعتراضی ملزم به گام برداشتن در آن هستند. اینجاست که سکوت به عنوان پدیده‌ای مشهود خودنمایی می‌کند.

واژه‌شناسی سکوت. سکوت در واژه‌شناسی به معنی فقدان صداست و یا صدایی که به شدت ضعیف است. از منظر دیگر، سکوت به معنای فقدان ارتباط است و یا بالعکس؛ ارتباطات کاملی که به شکل ارتباطات غیرکلامی و یا ارتباطات معنوی رخ می‌دهند. با توجه به هنجارهای فرهنگی هر کشور، سکوت می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. برای مثال در آئین مسیحیت سکوت در مراسم‌ها به معنای موافقت است درحالی‌که در فرقه باپتیست‌های جنوبی سکوت به معنای مخالفت است. در ژاپن سکوت ارزشمند است و در تعاملات روزانه شکلی ضروری از ارتباطات غیرکلامی است چرا که مانند صدا احساسات را منتقل کرده، احترام را نشان می‌دهد و از تعارضات جلوگیری می‌کند. در کشور ما نیز که بر پایه اسلام و آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و در حال تکامل است سکوت جایگاه مشخصی دارد. آنچه درباره اهمیت سکوت و آثار مثبت و سازنده آن در تعمیق تفکر آدمی و جلوگیری از اشتباهات و مصون ماندن از انواع گناهان، حفظ شخصیت، ابهت و عدم نیاز به عذرخواهی‌های مکرر اشاره شده است به این معنی نیست که سخن گفتن همه جا نکوهیده و مذموم باشد و انسان از همه چیز لب فروبندد؛ چرا که این خود آفت بزرگ دیگری است. حضرت علی (ع) می‌فرماید «نه سکوت دانشمند سودی دارد و نه سخن گفتن جاهل»^۲. در برخی روایات از سکوت به عنوان برترین عبادت‌ها یاد شده است و هم چنین سکوت نه تنها عبادت بلکه ضامن سلامت انسان‌ها تفسیر شده است. شاید یکی از دلایل

1. Policy

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع)

اصلی رواج سکوت در جوامع اسلامی گاهی سوءبرداشت‌ها از چنین آموزه‌ها و روایت‌های دینی است اما نباید از نظر دور داشت که در طول تاریخ شرایط سیاسی و اجتماعی دوره‌ها، باعث شده است که سکوت جایگاه‌ها و مصادیق متفاوتی داشته باشد. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «بر عاقل واجب است که به وضع زمان خود آشنا باشد، به کار خود مشغول بوده و زبانش را حفظ کند».^۱ اما از طرف دیگر مردم در نظام سیاسی اسلام، پس از قانون، رکن اساسی حکومت‌اند و برخلاف حکومت‌های استبدادی از منابع اصلی قدرت سیاسی شمرده می‌شوند و در این صحنه نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در مسائل مهم سیاسی نظر می‌دهند و هرگز نسبت به امور جامعه بی‌تفاوت نمی‌مانند.^۲ پذیرش و اطاعت (مقبولیت)، پشتیبانی و حمایت (مشارکت) از مهم‌ترین مصادیق نقش و سهم مردم در ابعاد مختلف حکومت است. از این رو با تاکید اسلام بر عنصر اختیار انسان‌ها و صحنه بر الگوی برقراری مردم‌سالاری دینی، نقش مردم در جامعه برجسته و نمود ویژه‌ای می‌یابد (سلیمیان، ۱۳۹۱).

سکوت ملی از منظر علوم سیاسی و اجتماعی. سکوت ملی شاید به اعتقاد برخی از اساتید، کارشناسان و پژوهشگران واژه‌ای برخاسته از تفکر صاحب‌نظران مدیریتی باشد، از این رو به منظور تبیین آن لازم است از واژه‌هایی ملموس‌تر و مبین‌تر استفاده شود. پژوهشگران حوزه علوم سیاسی معتقدند آنچه را که به عنوان سکوت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد در حقیقت همان عدم مشارکت و حضور است. اندیشمندان، نظریه‌های مختلفی در مورد مشارکت سیاسی ارائه کرده‌اند؛ از جمله واینر و هانتینگتون^۳ (۱۹۷۴) که معتقدند در کشورهای در حال توسعه مشارکت سیاسی هدف محسوب نمی‌شود و معمولاً تابعی از تصمیم‌های نخبگان حاکم است. از نظر آن‌ها در چنین کشورهایی دو عامل بر مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد، اولی نگرش نخبگان سیاسی به مشارکت است که با استفاده از امکانات و ابزارهای که در اختیار دارند می‌توانند مشارکت را تشویق یا محدود کنند و دومی میزان آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی و عضویت در نهادهای جمعی و انجمن‌هاست. میلبراث^۴ (۱۹۸۱) نیز که سلسله‌مراتب مشارکت را مطرح می‌کند مشارکت سیاسی را شامل سلسله‌مراتبی از تصاحب پست مقام رسمی تا رأی دادن در انتخابات می‌داند؛ اما نظر رابرت لین^۵ (۱۹۵۹) در باب مشارکت سیاسی به موضوع مورد مطالعه این پژوهش نزدیک‌تر است. او مشارکت سیاسی را وسیله دنبال کردن نیازهای اقتصادی، ارضای نیاز به سازگاری

۱. اصول کافی جلد ۳ صفحه ۱۷۸

۲. حدیث پیامبر اسلام، خطاب به مسلمانان که فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنِ الرَّعِيَّةِ» صحنه بر همین معناست.

3. Weiner & Huntington

4. Milbrath

5. Robert Lane

اجتماعی، وسیله دنبال کردن ارزش‌های مشخص و برآوردن نیازهای ناخودآگاه و روان‌شناختی می‌داند. به نظر او لازم است هم به افرادی که مشارکت سیاسی می‌کنند و هم به افرادی که مشارکت سیاسی نمی‌کنند توجه شود. دخالت نکردن در سیاست^۱ به شیوه‌های گوناگون نظیر بی‌اعتنایی، بیگانگی و بی‌هنجاری صورت می‌گیرد. بی‌اعتنایی به دلیل فقدان علاقه، بی‌رغبتی و سرخوردگی است و بیگانگی و بی‌هنجاری متضمن احساس دوری یا جدایی از جامعه است. شواهد نشان می‌دهد که افراد بی‌اعتنا بدبین شده و دست‌خوش بیگانگی و بی‌هنجاری قرار می‌گیرند؛ اما بی‌اعتنایی، بدبینی، بیگانگی و بی‌هنجاری همه نسبی هستند و ممکن است هم کسانی را که از مشارکت سیاسی گریزانند و هم کسانی را که مشارکت می‌کنند تحت تأثیر قرار دهد. بیگانگی تنها شکل انفعالی به خود نمی‌گیرد بلکه ممکن است به فعالیت‌های قابل ملاحظه که متضمن عمل سیاسی خشن است نیز منجر شود. نظریه منابع که یکی از نظریات جامعه‌شناختی است، مدعی است منابع اجتماعی و اقتصادی از جمله شغل و تحصیلات بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند (Bandura, 1982). دسترسی نابرابر به این منابع به طور غیرمستقیم بر سطوح مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارد (ریبیعی، ۱۳۸۰). همچنین باندورا مفهوم اعتماد سیاسی را برای تبیین نوع و میزان مشارکت سیاسی مطرح می‌کند که دو بعد اعتماد فرد به توانایی‌های سیاسی خود و اعتماد فرد به پاسخگویی دولت را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب تنها افرادی که به توانایی‌های خود و محیط سیاسی اعتماد دارند با دلگرمی دست به مشارکت سیاسی می‌زنند و در غیر این صورت از مشارکت سیاسی کناره‌گیری می‌کنند (ریبیعی، ۱۳۸۰).

نوع شناسی سکوت. تاکنون برای شناخت کارکردها و معنای سکوت در تعاملات اجتماعی تلاش‌هایی صورت گرفته است. توماس برونا تقریباً همزمان با نئومن به نوع شناسی سکوت پرداخت و سه نوع سکوت را مورد توجه قرار داد (Bruneau, 1973):

- نوع اول، سکوت روان‌شناختی^۲ است که از نظر زمانی کوتاه است و شاید در حقیقت نوعی درنگ و تأمل در مکالمات و ارتباطات برای تفکر در مورد آنچه بیان شده است باشد.
- نوع دوم، سکوت تعاملی^۳ است که از نظر زمانی از نوع اول طولانی‌تر است و در تعاملات و ارتباطات متقابل و بین فردی رخ می‌دهد.
- نوع سوم، سکوت اجتماعی- فرهنگی^۴ است که به نظر می‌رسد اساس دو نوع اول سکوت است چرا که عادات و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی می‌تواند سکوت روان‌شناختی و تعاملی را مورد

1. Politics
 2. Psychological Silence
 3. Silence Interactive
 4. Sociocultural Silence

جرح و تعدیل قرار دهد.

همزمان با بروننا، جنسن^۱ نیز مقاله‌ای را منتشر کرد و در آن پنج کارویژه^۲ اصلی سکوت را شناسایی و تشریح نمود:

۱. کارویژه ارتباطی^۳ سکوت: در کارویژه ارتباطی سکوت به عنوان عاملی معرفی می‌شود که باعث کنار هم نگاه داشتن افراد می‌شود؛ برای مثال در حالت پرستش انسان‌ها سکوت می‌کنند و در عین سکوت هم‌صدا و هم‌هدف می‌شوند. این کار ویژه را شاید بتوان با همان عبارت متداول که «سکوت عامل وحدت است» تعبیر کرد.

۲. کارویژه تأثیرگذاری^۴ سکوت: این کارویژه می‌تواند باعث شود افراد بی‌علاقه به موضوعات، بیشتر به مسائل توجه کنند بدون اینکه مجبور باشیم آن‌ها را از بحث خارج کنیم.

۳. کارویژه فاش‌سازی یا آشکارسازی^۵ سکوت: در حقیقت این کارویژه سکوت بیان می‌کند که وقتی فردی در مورد مسئله‌ای اظهارنظری نمی‌کند در مورد آن دانش کافی را ندارد.

۴. کارویژه قضاوتی^۶ سکوت: این کارویژه مشخص می‌کند که چه کسانی مخالف و هستند.

۵. کارویژه فعال‌سازی^۷ سکوت: به این معنا که وقتی گوینده‌ای ساکت است در حقیقت در حال انتخاب واژه‌ها و عباراتی است که قصد گفتن آن‌ها را دارد. به این ترتیب نمی‌توان گفت کسی که ساکت است هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهد.

یک سال پس از مقاله‌های بروننا و جنسن، جوهانسن^۸ (۱۹۷۴) نیز در نوشتاری زمینه‌هایی که در آن‌ها کارویژه‌های سکوت قابل بررسی هستند را بیان کرد که شامل ۴ زمینه زیر است (Kurzon, 2007): ۱. فرایندهای تفکر انسانی و توسعه فرهنگی؛ ۲. ارتباطات بین فردی هدفمند؛ ۳. زندگی سیاسی و شهروندی؛ ۴. زمینه آسیب‌شناسی.

آشنایی با انواع کارویژه‌های سکوت آغازی است برای پژوهش‌هایی با هدف شناسایی پیامدهای سکوت در جوامع بشری به منظور کاستن عوارض منفی و مخرب ناشی از آن. در ادامه به تشریح نظریه‌هایی که در زمینه سکوت ارائه گردیده‌اند پرداخته و مدل‌نهایی طراحی شده ارائه می‌شود.

نظریه مارپیچ سکوت. نظریه مارپیچ سکوت یکی از محدود نظریه‌های حوزه ارتباطات است که افکار عمومی^۹ تأکید دارد. این نظریه در سال ۱۹۷۴ توسط نوئل نئومن ارائه شد. او رابطه میان

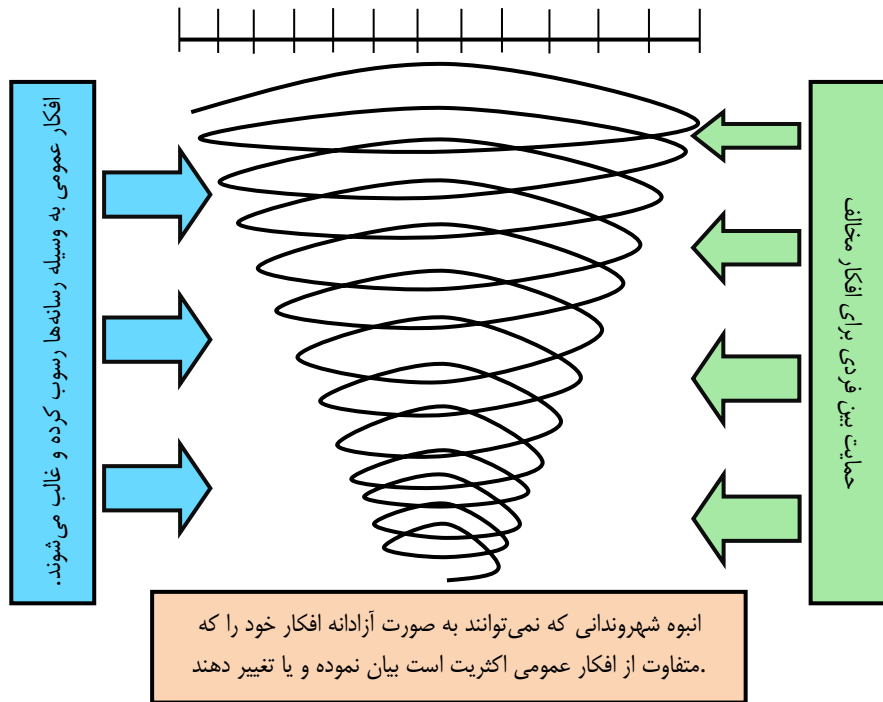
1. Jensen
2. Functions
3. linking
4. affecting
5. revelational
6. judgmental
7. activating
8. Johannesen
9. Public Opinion

ادراک نظر اکثریت و نظر فرد در مورد موضوع‌های مختلف را تحلیل می‌کند و مارییچ سکوت را به عنوان تلاشی در جهت نشان دادن چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی می‌داند (Bowen & Blackmon, 2003). در حقیقت او در تلاش بود تا بداند چرا در دهه ۱۹۴۰ آلمانی‌ها موقعیت‌های سیاسی غلطی^۱ را مورد حمایت قرار دادند که در نهایت منجر به شکست، تحقیر و نابودی‌شان شد (Dostal, 1994). نئومن معتقد بود که افکار عمومی تا قرن ۱۸ به صورت یک پدیده آشکار وجود نداشت اما هزاران سال بود که مانند نیرویی بر مردم و دولت‌ها اعمال می‌شد و توافقی‌های لازم را برای عملکرد جوامع فراهم می‌کرد. قدرت افکار عمومی در حقیقت، به طبیعت اجتماعی انسان‌ها برمی‌گردد که جامعه در واکنش به ابراز عقیده‌ای مخالف افکار عمومی، ما را تهدید به تنها شدن می‌کند. بنابر این نظریه، افرادی که متوجه می‌شوند نظری برخلاف نظر اکثریت دارند از تنها ماندن در جامعه هراس دارند و ترجیح می‌دهند ساکت بمانند. این نظریه در حقیقت بیان‌کننده این موضوع است که چرا وقتی که مردم احساس می‌کنند که آراءشان در اقلیت است ساکت می‌مانند یا گاهی جذب آراء اکثریت می‌شوند و آراء خود را نادیده می‌گیرند (Scheufele, 2007). حتی ممکن است این اشخاص از نظر تعداد، اکثریت را تشکیل دهند اما سکوت آن‌ها در نهایت، نظر اقلیت را تأیید و تقویت می‌کند.

مدل مارییچ سکوت چهار منطق اصلی دارد:

۱. اجتماع، افرادی را که منحرف هستند با ایجاد احساس تنهایی می‌ترساند؛
۲. انسان‌ها ترس از تنها شدن را به طور مداوم تجربه می‌کنند؛
۳. ترس از تنها شدن باعث می‌شود که افراد تلاش کنند موقعیت و فضای جامعه را به طور مداوم ارزیابی کنند؛
۴. نتیجه این ارزیابی و تخمین افراد بر رفتارشان در صحنه اجتماع تأثیر می‌گذارد یعنی باعث می‌شود که افراد عقاید خود را ابراز یا پنهان کنند.

1. Wrong Political Positons



شکل ۲. نظریه ماریجیه سکوت نوئل نثومن

بدین ترتیب هر چه افراد احساس کنند که نگرش‌ها و اعتقاداتشان به اعتقاد عمومی متداول نزدیک‌تر است بیشتر تمایل دارند که آن‌ها را در جامعه افشا کنند؛ بنابراین اگر احساس عمومی تغییر کند افراد متوجه می‌شوند که نظرشان کمتر مورد استقبال خواهد بود و کمتر تمایل به بیان آن در اجتماع پیدا می‌کنند. هر چه فاصله بین افکار عمومی و عقاید شخصی افراد بیشتر شود آن‌ها کمتر تمایل دارند تا نظراتشان را بیان کنند. البته فرض پنجمی که در ادامه این چهار فرض ممکن است به ذهن متواتر شود آن است که در حقیقت این مردم هستند که مسئول شکل‌دهی، دفاع و یا تغییر افکار عمومی می‌باشند. شکل دو مدل ماریجیه سکوت نثومن را نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل شماره دو دیده می‌شود این فرایند به رسانه‌های جمعی بستگی دارد چرا که آن‌ها می‌توانند بر افکار عمومی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارند. جابه‌جایی و تغییر در عقاید عمومی به طور مداوم رخ می‌دهد و این نظریه می‌تواند برای بیان و تشریح دقیق رفتارها استفاده شود. به عقیده نثومن کسانی که تصور می‌کنند در اقلیت هستند، معمولاً سکوت می‌کنند و ماریجیه سکوت، نظر موجود در رسانه‌ها را به نسبت تقویت می‌کند و در نتیجه کار به تقویت «گفتمان عمومی»^۱ می‌انجامد. در چنین وضعیتی نظر حاکم بیشتر مجال خودنمایی می‌یابد و

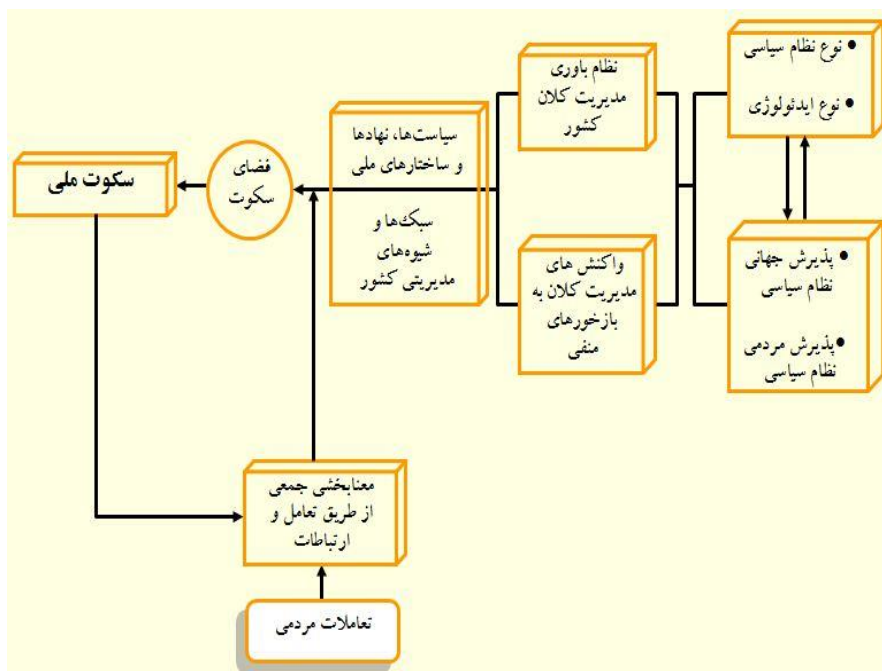
1. Public Discourse

منجر به حذف تدریجی هر نظر دیگر می‌شود و به این ترتیب «مارپیچ سکوت» شکل می‌گیرد. مناسب است بیان شود که مشابه چنین پدیده‌ای در سطح سازمان و گروه نیز شناسایی شده است و از آن به عنوان فشار گروهی^۱ نام برده می‌شود. در این حالت افراد برای پذیرفته شدن و مورد قبول واقع شدن توسط سایر افراد گروه، نگرش‌ها و رفتارهای خود را با هنجارهای گروه سازگار می‌کنند. در حقیقت زمانی که دیدگاه فرد با دیدگاه سایر اعضای گروه به شدت متفاوت می‌شود او به طور تلویحاً از جانب گروه در فشار زیادی قرار می‌گیرد تا دست از دیدگاه خود بردارد و با سایرین هم‌آواز شود (Robbins & Judge, 2009).

انتقادات به نظریه مارپیچ سکوت. این نظریه به دلیل ضعف روش‌شناسی مورد انتقاد قرار گرفت؛ البته اثرات مارپیچی معمولاً ناچیز است اما اهمیت زیادی دارد. برخی از جمله سالمون و کلین^۲ (۱۹۸۵) مدعی‌اند که این نظریه در شناخت درگیری‌های پیشین افراد در مورد چالش‌های موردنظر ناکام است چرا که افراد ممکن است در مورد موضوعی صحبت کنند که از قبل درگیری‌هایی با آن داشته‌اند. گلین و مک لئود^۳ (۱۹۸۴) نیز دو نقد بر این نظریه وارد کردند: اول اینکه ممکن است ترس از تنها شدن افراد را برای بیان عقایدشان برانگیخته نکند اما نئومن اساساً فرضیه خود را مبنی بر اینکه ترس از تنها شدن افراد را به صحبت کردن وامی‌دارد آزمون نکرده است و صحت آن قابل تردید است. دوم این که نئومن fv رسانه به عنوان یک عامل مؤثر بر فرایند مارپیچی تاکید نکرد؛ اما نئومن خود نیز دفاعیاتی دارد از جمله اینکه معتقد است رسانه در موضوع افکار عمومی یک ابزار است. بدین معنی که از طریق رسانه و با استفاده از کلمات و مباحثات در مورد یک موضوع، ndn'hih و عقاید افراد در اجتماع شنیده می‌شود بنابراین حتی موقعیتی ایجاد می‌شود تا ترس از تنها شدن کاهش یابد.

فرایند شکل‌گیری سکوت ملی. برای تبیین سکوت ملی همان‌گونه که توضیح داده شد نظریات چندانی وجود ندارد و شاخص‌ترین نظریه مارپیچ سکوت است که تشریح شد. در کنفرانس بین‌المللی مدیریت تهران در سال ۱۳۸۸ نظریه فرآیند شکل‌گیری سکوت ملی برای اولین بار توسط دانایی‌فرد ارائه شد و بر اساس شکل شماره سه تشریح شد.

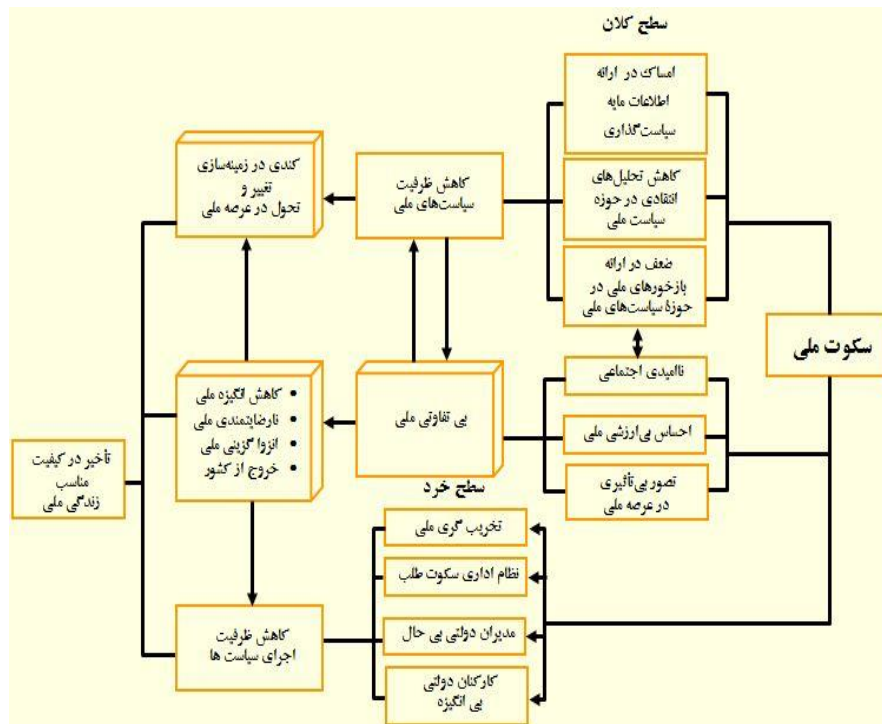
1. Group Pressure
2. Salmon & Kline
3. Glynn & McLeod



شکل ۳. نظریه فرآیند شکل‌گیری سکوت ملی (دانایی‌فرد، ۱۳۸۱)

شکل شماره سه بیان می‌کند که هر کشوری با توجه به «نوع نظام سیاسی» خود و «نوع ایدئولوژی حاکم بر آن»، در صحنه ملی و فراملی، در درجه‌ای از پذیرش و مقبولیت داخلی میان شهروندان خود و جهانی میان نظام‌های سیاسی مختلف قرار می‌گیرد و به ناچار در تعامل با آن‌ها دچار فشارهایی از این نواحی می‌شود. از این رو، مدیریت کلان و نظام باوری آن درصدد واکنش و رهایی از این فشارها و بازخورهای منفی می‌شود که نحوه این واکنش که متأثر از خطامشی‌ها و ساختارهای کلان ایجاد شده در کشور است، در پرتو سبک و شیوه‌های مدیریتی سطوح خرد و بوروکراتیک متجلی می‌شوند. در ساختار غیرمنعطف شرح داده شده، تعاملات مردمی با ساختار و حکومت تنزل می‌یابد و معنابخشی جمعی از طریق تعامل و ارتباطات مردم با یکدیگر و با حکومت کمرنگ می‌شود و فضایی که «پیچ‌ملی» نامیده شده است شکل می‌گیرد. حال در این فضا و با توجه به حاشیه رانده شدن شهروندان، سکوت در لایه‌های زیرین کشور به صورت پنهانی و خزنده پیش‌روی و نمو می‌کند و نهایتاً پدیده سکوت ملی رخ می‌دهد. لازم به ذکر است که پدیده سکوت ملی به عنوان پدیده‌ای جمعی تلقی می‌شود که جنبه بستری دارد و در زمره چارچوب‌های نظری کلان قرار می‌گیرد. در نتیجه عناصر شکل‌دهنده تبیین سکوت ملی، قالب‌های مفهومی کلانی هستند که با مشاهده مستقیم و غیرمستقیم کشورهای جهان معنادار

می‌شوند. در ادامه نظریه یادشده، پیامدهای سکوت ملی نیز توسط ایشان در دو سطح خرد و کلان به صورت شکل چهار ارائه شده است.



شکل ۴. پیامدهای سکوت ملی (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸)

در ادامه مقاله، از رهگذر آنچه در میانی نظری پژوهش، توضیح داده شد و با توجه به نظریه ماریپیچ سکوت (Noelle-Neumann, 1974) و نظریه فرآیند شکل‌گیری سکوت ملی (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸) در راستای تولید دانش بومی، پیامدهای سکوت ملی در نظام‌های سیاسی به روش علمی استحصاء می‌شود. در پایان نیز پس از نتیجه‌گیری، رهنمودهایی برای عمل مدیران عالی کشور پیشنهاد می‌شود تا با آشنایی آن‌ها با این عوارض، اثرات مضر آن از دامان جامعه زدوده شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پارادایم حاکم بر پژوهش در مرحله مصاحبه و کدگذاری، تفسیری^۱ است و در مرحله

1. Interpretive

آزمون‌های آماری، اثبات‌گرایی^۱ است؛ بنابراین این پژوهش ترکیبی است. پژوهش بر اساس شیوه ترکیبی نوعی روش‌شناسی برای گردآوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی است که برای فهم مسائل پژوهشی در زمان انجام یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد (Creswell, 2003). جهت‌گیری این پژوهش توسعه‌ای است زیرا که درصدد واکاوی تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی است و قبل از این پژوهش هیچ‌گونه پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته است. زمانی که دانشی از حوزه بنیادی توسعه داده می‌شود، آن را پژوهش توسعه‌ای می‌نامند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶). رویکرد پژوهش، استقرایی است زیرا که پژوهشگران این مقاله به بررسی جزئیات و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته‌اند تا تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی را شناسایی و تبیین کنند. هدف پژوهش اکتشاف و فهم است که برای رسیدن به این هدف، از ابزار مصاحبه و پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. فن تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل داده بنیاد^۲ است اما برای تحلیل داده‌های کمی از نرم‌افزار اسپاس اس ۱۹ استفاده شده است. از این نرم‌افزار برای انجام آزمون میانگین یک جامعه آماری و آزمون فریدمن استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری. جامعه آماری این پژوهش در مرحله کیفی شامل ۲۵ مصاحبه عمومی بدون ساختار با شهروندان تهرانی بود که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از نقاط مختلف جنوب، شمال، شرق، غرب و مرکز تهران انتخاب شدند که مصاحبه‌ها تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه پیدا می‌کرد. مصاحبه‌های عمومی درخصوص پدیده سکوت ملی شکل می‌گرفت و سوال اصلی مصاحبه، نظرات شهروندان درباره وجود یا عدم وجود و پیامدهای سکوت ملی بوده است. پس از اتمام مصاحبه‌های عمومی، ۱۳ مصاحبه تخصصی نیمه ساختاریافته با خبرگان علمی و نخبگان سیاسی و اجرایی صورت گرفت. از ۱۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته تخصصی، ۴ مصاحبه با اعضای هیأت علمی رشته مدیریت دولتی، ۴ مصاحبه با اعضای هیأت علمی رشته علوم سیاسی، ۴ مصاحبه با مدیران اجرایی سازمان‌های دولتی و ۱ مصاحبه با مدیر مسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور صورت گرفته است که جملگی آن‌ها در زمینه‌های علمی و اجرایی جایگاه برجسته‌ای داشته‌اند. منظور از جایگاه برجسته، در مورد اعضای هیأت علمی درجه علمی آن‌ها بوده است که تأکید بر دانشیاری و استادی بوده است و برای خبرگان اجرایی، حداقل ۱۰ سال سابقه کاری در سازمان‌های دولتی بوده است. سوال اصلی مصاحبه تخصصی آن بود که به نظر شما تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی چه می‌تواند باشد؟ لازم به یادآوری است که نمونه‌گیری به دلیل کمبود خبره و متخصص در زمینه موضوع پژوهش به صورت هدفمند و انتخابی صورت گرفته است. داده‌های ناشی از مصاحبه پس از انجام ۱۰ مصاحبه به اشباع رسید

1. Positivism

2. Grounded Theory (GT)

که به دلیل اهمیت موضوع تا ۱۳ مصاحبه ادامه پیدا کرد.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات. مرحله اول به صورت کیفی انجام شده، از این رو برای گردآوری اطلاعات با توجه به اینکه موضوع سکوت ملی از لایه‌های مختلف جامعه و شهروندان شکل می‌گیرد از روش مصاحبه بدون ساختار و برای دریافت نظرات خبرگان از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه، ابزاری است که امکان بررسی موضوع‌های پیچیده و نامکشوف، پاسخ‌ها یا پیدا کردن علل آن و اطمینان یافتن از درک سؤال از سوی آزمودنی را فراهم می‌سازد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷، ۱۴۹). سپس نتایج مصاحبه‌ها در دو مرحله کدگذاری شد و حاصل کدگذاری‌ها به صورت پرسش‌نامه درآمد که ابزار گردآوری اطلاعات در مرحله دوم (کمی) را فراهم ساخت. روایی محتوایی پرسش‌نامه را خبرگان تأیید نمودند و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که در بعد اداری-سازمانی برابر ۸۶/۷ درصد، در بعد فرهنگی-اجتماعی برابر ۸۲/۴ درصد، در بعد اقتصادی برابر ۹۱/۶ درصد و در بعد سیاسی برابر ۷۹/۵ درصد نشان از پایایی مناسب در همه ابعاد پرسش‌نامه می‌باشد.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

یافته‌های کیفی. پژوهشگر پس از مطالعه مباحث پیشین و دستیابی به پیامدهای یادشده، با استفاده از فن تحلیل داده‌های کیفی، ۲۷ پیامد را از گزاره‌های مصاحبه‌ای استخراج کرد که در جدول یک آورده شده است.

جدول ۱. پیامدهای سکوت ملی در نظام‌های سیاسی، احصایی از مصاحبه‌ها و ادبیات پژوهش

محل احصاء یا منبع	برچسب	گزاره کلامی
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی - مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور	بی‌تفاوتی اجتماعی ^۱	در این شرایط مردم نسبت به وقایع و پدیده‌های اطراف خود بی‌توجه هستند. افراد به اصطلاح سرد می‌شوند و علاقه و تمایل و اشتیاق خود را از دست می‌دهند. البته افراد موضوعات پیرامون خود را احساس می‌کنند اما به آن‌ها اهمیت نمی‌دهند.
- مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیرمسئول یکی	نارضایتی اجتماعی ^۲	از آنجا که رضایت عمومی نتیجه کیفیت بالای خدمات دولتی به مردم است در صورتی که شهروندان در نتیجه فرآیند سکوت قادر به اظهارنظر در مورد کیفیت خدمات دریافتی نباشند نهایتاً احتمال دارد خدمات بهتر و

1. Social Apathy
2. Dissatisfaction

از روزنامه‌های سیاسی کشور	باکیفیت‌تری را دریافت نکنند. به این ترتیب رضایتمندی حاصل نمی‌شود.
مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی	در این‌گونه شرایط افراد احساس بی‌ارزشی می‌کنند چرا که حس می‌کنند کسی برای نظراتشان اهمیتی قائل نیست. آن‌ها به تدریج انگیزه خود را برای پیشرفت، حل مشکلات، موفقیت، تحول، یادگیری و رسیدن به اهداف زندگی از دست می‌دهند.
مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی	شهروندان و کارکنان دولتی وقتی که با فشارهایی مبنی بر سکوت و عدم بیان خواسته‌هایشان مواجه می‌شوند ممکن است به تخریب و از بین بردن و صدمه‌زدن به دارایی‌ها و اموال عمومی و دولتی دست بزنند. این نتیجه نارضایتی و اعتراض است و زمانی که اعضای یک گروه به روش‌های دیگر زبانی قادر به بیان نظرات و انتقادات و شکایات خود نبودند از این شیوه استفاده می‌کنند.
مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)	مسئلاً لازم است خط مشی‌هایی که برای کشور وضع می‌شوند باکیفیت، پرمحتوا و غنی باشند و همچنین بین خط مشی‌ها همسویی و ارتباط هم‌افزا وجود داشته باشد. خط مشی‌ها باید منسجم و مکمل یکدیگر باشند و همدیگر را تقویت نمایند؛ اما در شرایط سکوت به دلیل فقدان نظرخواهی واقعی از بخش‌های مختلف درگیر در فرایند خط مشی‌گذاری، تصمیم‌هایی اتخاذ می‌شود که نه تنها مکمل یکدیگر نیستند بلکه گاه یکدیگر را تضعیف می‌کنند.
مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی - دنهارت (۲۰۱۱)	گروه‌ها و افراد مختلفی در اجرای خط مشی‌ها دخیل هستند. لازم است جهت جلوگیری از کاهش ظرفیت‌ها، خط مشی‌ها به درستی اجرا شوند و این پدیده زمانی رخ می‌دهد که نظرات و منافع همه گروه‌ها کم و بیش مورد توجه قرار گرفته باشد. زمانی که نظرات افراد شنیده نشود خط مشی‌ها از طرف آن‌ها ضمانت اجرایی پیدا نمی‌کنند.
مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی	یادگیری امری آگاهانه است. فضایی را تصور کنیم که در آن سکوت مانع پرسش از آموخته‌ها می‌شود؛ حال در چنین فضایی یادگیری حقیقی رخ نمی‌دهد و کارکنان و شهروندان تنها به یادگیری تظاهر می‌نمایند و آموزش جنبه ریاکاری به خود می‌گیرد.
مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی	در این‌گونه شرایط کارکنان سازمان‌ها نسبت به انجام وظایف خود کمتر پایبند هستند، کسب رضایت شهروندان

<p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>		<p>برایشان مهم نیست و از رشوه‌گیری پرهیز نمی‌کنند، در حفظ اموال عمومی سازمانی نمی‌کوشند، به تدریج دوستی و محبت سازمانی کمرنگ می‌شود و نفاق جای آن را می‌گیرد.</p>
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>	<p>بی‌تقوایی مدیریتی</p>	<p>در سکوت حاکم بر سازمان، به دلیل اینکه افراد فرصت و تمایل بیان نظرات و عقاید خود را در مورد مدیران سطوح عالی ندارند، احتمالاً افرادی که در چنین سطوحی قرار می‌گیرند قابلیت و توان اجرای وظایف مدیریتی خود را به نحوی شایسته پیدا نمی‌کنند. آن‌ها معمولاً بدون استدلال درست و عقلانی پست‌های پیشنهادی را می‌پذیرند زیرا مکانیسم بازخواست و پاسخگویی وجود ندارد؛ بنابراین در این حالت ممکن است به دلیل فقدان نظام ارزشیابی عملکرد مدیریتی چنین افرادی به راحتی در پست‌های خود ابقا می‌شوند و حتی ارتقاء می‌یابند.</p>
<p>- مصاحبه با شهروندان</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>بی‌اعتمادی اجتماعی</p>	<p>در این حالت بیشتر افراد این‌گونه تصور می‌کنند که جامعه نه تنها به تحقق اهداف آن‌ها کمکی نمی‌کند بلکه در جهت تضعیف توانایی‌های آن‌ها و موقعیت‌های پیش رویشان برنامه‌ریزی کرده است. اعتماد شهروندان به حاکمان و کارگزاران نظام مستقر در کشور الزامی ضروری است و اساس تداوم و استقرار آن بوده و فقدان آن پیامدهای مخربی را برای آن نظام در پی خواهد داشت.</p>
<p>- مصاحبه با شهروندان</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی</p>	<p>سرمایه‌گذاران برای فعالیت نیاز به حمایت‌های قانونی دارند. آن‌ها به منظور پیشینه کردن منافع خود که در نهایت منجر به افزایش تولید ملی می‌شود تمایل دارند نظرات خود را در تعاملات و ارتباطات با حاکمیت و قانون‌گذاران بیان کنند؛ اما سایه سکوت مانع از ارتباط آن‌ها با دولت می‌شود. چنانچه قانون‌گذاران بدون توجه به خواسته‌ها و اولویت‌های آن‌ها قوانین این حوزه را وضع نمایند کاربردی بودن آن قوانین زیر سؤال می‌رود. در نهایت با کاهش سودآوری شرکت‌های سرمایه‌گذار تمایل به چنین سرمایه‌گذاری‌هایی کاهش می‌یابد.</p>
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>رواج روحیه چاپلوسی^۱</p>	<p>اظهارنظرات واقعی که اساساً به علت ترس یا طمع است موجب رواج برخی رفتارهای نادرست می‌شود؛ از جمله اینکه انسان‌ها به تدریج نظرات خود را در مورد افراد یا اقدامات آن‌ها پنهان می‌کنند یا نظری را می‌دهند که از طرف گروه یا جامعه پذیرفته می‌شود- حتی اگر واقعاً نظرشان آن نباشد- زیرا که نمی‌خواهند از طرف آن‌ها طرد</p>

<p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور نصر اصفهانی (۱۳۸۹)</p>		<p>شوند. آن‌ها به تمجید و تشویق افراد و اعمالی می‌پردازند که مورد قبولشان نیست اما منافعشان در گرو آن‌هاست.</p>
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی - مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>	<p>تضعیف روحیه میهن‌پرستی</p>	<p>شرایط سکوت و خفقان باعث می‌شود علاقه و احساس تعلق به کشور از بین برود. مردم کم‌کم شور و شوق برای انجام هرگونه اقدام و تلاش برای دفاع از کشور در برابر بیگانگان و دشمنان را از دست می‌دهند. آن‌ها در این حالت برای حفظ هویت و موفقیت کشورشان تلاش نمی‌کنند.</p>
<p>- مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی نادری و همکاران (۱۳۸۸)</p>	<p>تشدید احساس بیگانگی</p>	<p>شهروندان در فضایی که سکوت حاکم باشد به دلیل عدم توجه به نظرات و خواسته‌هایشان دچار خشم و دلخوری و ناراحتی می‌شوند. این احساس باعث بی‌اعتنایی و دلسردی افراد شده و موجب ایجاد شکنندگی در ساختارهای اجتماعی، ناامیدی و انزوای اجتماعی می‌شود. افراد نسبت به جامعه خود احساس خصومت می‌کنند و از انواع مشارکت‌ها کناره‌گیری می‌کنند.</p>
<p>Brinsfield (2009) - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>نظام اداری سکوت‌طلب</p>	<p>در سازمان‌ها کارکنان به دلایلی که مدیریت سازمان مسبب آن است از ارائه اطلاعات، عقاید و یا دغدغه‌های خود در رابطه با مشکلات بالقوه کاری خودداری می‌کنند. آن‌ها حتی برای موفقیت سازمان خود حاضر به بیان نظرات خود نیستند و سکوت و هم‌رنگی با جماعت را ترجیح می‌دهند.</p>
<p>- مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی - مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور علی‌پور و دیگران (۱۳۸۸)</p>	<p>کاهش سرمایه اجتماعی</p>	<p>شهروندان به دلیل فقدان ارتباطات واقعی و عدم بیان نظرات و عقاید خود کمتر می‌توانند افراد مشابه خود را پیدا کنند و در گروه‌های مورد علاقه‌شان عضو شوند. به این ترتیب مشارکت آن‌ها در گروه‌های غیررسمی و سازمان‌های غیرانتفاعی کمتر و کمتر می‌شود.</p>
<p>- مصاحبه با شهروندان - مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی - مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی گرچی و اقبالی (۱۳۹۰)</p>	<p>شیوع اقتصاد مافیایی و رانتی</p>	<p>در فضای سکوت به دلیل عدم امکان اعتراض و انتقاد، بسیاری از کسانی که در مقام‌های خاص هستند با برخورداری از برخی مجوزها، سهمیه‌ها و امکانات مشابه به تملک دارایی‌ها می‌پردازند و به تدریج به جای تولید ثروت به دنبال تملک ثروت می‌روند. حاصل چنین اقداماتی کسب ثروت‌های بادآورده و نامشروع است. در لایه پنهانی آن نیز، به دلیل فقدان قوانین پویای تجاری گروه‌ها و حلقه‌های مافیایی شکل می‌گیرند که با برخورداری از امکانات و تسهیلاتی ویژه با قدرت غیرقابل توصیفی گردانندگان اصلی اقتصاد می‌شوند.</p>

(Barston, 2006)	
۱۸	<p>در فضای سکوت ناآگاهی در مورد مسائل بین‌المللی و فقدان مشارکت و همراهی مردم در برهه‌های زمانی حساس و بی‌اعتنایی به سرنوشت کشور باعث می‌شود نمایندگان کشور در صحنه‌های بین‌المللی با دست خالی حضور پیدا کنند و این باعث کاهش قدرت مذاکرات بین‌المللی می‌شود.</p>
۱۹	<p>در فضای سکوت بدون شک شهروندان نسبت به بی‌عدالتی در جامعه کمترین اعتراضی نمی‌کنند. در این حالت به صورت خزنده فرهنگ تبعیض ترویج می‌یابد؛ به دنبال آن درآمدها و مزایای اجتماعی نیز ناعادلانه توزیع می‌شود و خانواده‌های فقیر روزه‌روز فقیرتر شده و ثروتمندان غنی‌تر می‌شوند.</p>
۲۰	<p>در یک جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از این آموزه‌های دینی، هر انسان مسلمانی را مکلف به واکنش در مقابل ظلم و توصیه به نیکی و درستکاری می‌نماید. سکوت در مقابل افعال مخالف شرع و قانون به تدریج روحیه نقد، توصیه و پیشنهاد سازنده را از بین می‌برد و چنین آموزه‌های دینی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند.</p>
۲۱	<p>چون افراد نمی‌توانند حرف‌های خود را بدون ترس بیان کنند آن‌ها را فرومی‌خورند. این حالت فشارهای روحی و عقده‌های روانی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود افراد خواسته‌های خود را به روش‌های دیگری بیان کنند و رفتارهای ناشایست و ناپسند از خود نشان دهند. آن‌ها در افراترین حالت تحمل شنیدن نظرات مخالف را در سطح جامعه از دست می‌دهند. همچنین صبر و حوصله‌شان کمتر می‌شود و از آن جا که نمی‌توانند صدای خود را به گوش مدیران و مسئولان برسانند بر دیگر اعضای جامعه فشار می‌آورند و پرخاشگری می‌کنند.</p>
۲۲	<p>تحت شرایط فشار و سکوت مردم نمی‌توانند نظرات خود را برای بهبود شرایط، به صورت آزادانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق کانال‌های مناسب ارائه دهند. آن‌ها در فعالیت‌هایی که مربوط به تعیین رهبران و یا تعدیل و اصلاح خط مشی‌ها و سیاست‌های تعیین شده و نظارت بر اجرای صحیح تصمیم‌های است مانند انتخابات مشارکت نمی‌کنند و کم‌کم مشارکت سیاسی آن‌ها کاهش می‌یابد.</p>

- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی
- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی
- مصاحبه با مدیر مسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور

- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی
- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی

- مصاحبه با شهروندان
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی
- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور

- مصاحبه با شهروندان
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی

- مصاحبه با شهروندان
- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی
- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی
- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور
آب نیکی (۱۳۹۰)

<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>	<p>ابهام موفقیت اقتصادی</p>	<p>زمانی که محیط پیرامون دچار سکوت شود شفافیت کاهش می‌یابد، در این فضا هر فرد یا گروه موفقیت‌های اقتصادی را از آن خود می‌داند؛ زیرا تعریف واحدی از موفقیت اقتصادی وجود ندارد و همگان بر اساس مصلحت‌سنجی- های شخصی و جناحی شاخص‌های موفقیت را تعریف می‌کنند. این حالت باعث تشدید پیچیدگی و ابهام می‌شود و بازتولید سکوت را در پی دارد. راه‌حل آن تعریف شاخص- های موفقیت اقتصادی مورد توافق همگان یا استفاده از استانداردهای بین‌المللی همه‌پذیر می‌باشد تا موفقیت واقعی قابل‌سناسایی و ردیابی شود.</p>	۲۳
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی</p> <p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>	<p>افزایش اقتدارگرایی و استبداد</p>	<p>از آنجا که در چنین فضای حکومتی، دامنه اختیارات دولت حاکم بسیار وسیع است، توزیع قدرت ناعادلانه انجام می‌شود. قدرت احتمالاً در دست یک فرد یا گروه خاصی قرار می‌گیرد و ممکن است اعمال قدرت به صورت ظالمانه و ستمگرانه صورت بگیرد.</p>	۲۴
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>سازمان بی- انگیزه</p>	<p>در جو سکوت سازمان‌ها نیز مانند انسان‌ها، بی‌انگیزه می‌شوند. آن‌ها نه خشنودی و ارزشمندی درونی و نه مشوق‌های بیرونی برای فعالیت‌های خود دریافت نمی‌کنند و در نتیجه از انجام فعالیت‌های پیش برنده اجتناب می‌کنند.</p>	۲۵
<p>- مصاحبه با شهروندان</p> <p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته علوم سیاسی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p>	<p>افزایش مهاجرت و تشدید فرار مغزها</p>	<p>ناآگاهی از خواسته‌های عامه، فقدان امکانات موردنیاز، کمبود امنیت، تشدید بیکاری و افسردگی را پدید می‌آورد. در این حالت تحصیل‌کردگان، دانشگاهیان و دانشمندان و در کل کسانی که نمی‌توانند چنین شرایطی را تحمل کنند و امکان مهاجرت را دارند به کشورهای دیگر می‌روند. این شرایط هم‌چنین نتیجه کمبود موقعیت‌های شغلی، درگیری‌های سیاسی و نظامی است و خطرات جانی را می‌تواند به همراه داشته باشد.</p>	۲۶
<p>- مصاحبه با عضو هیأت علمی رشته مدیریت دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیر اجرایی سازمان دولتی</p> <p>- مصاحبه با مدیرمسئول یکی از روزنامه‌های سیاسی کشور</p>	<p>نظام انتقادات و پیشنهادات صوری</p>	<p>در بسیاری از سازمان‌ها سیستم انتقادات و پیشنهادات تنها در حد حرف باقی می‌ماند و کارکردی برای آن تعریف نمی‌شود و مورد استفاده مناسب قرار نمی‌گیرد. اعضا نمی‌توانند به گونه‌ای اطمینان حاصل کنند که اندیشه‌های سازنده آن‌ها توسط دیگر اعضا و تصمیم‌گیرندگان شنیده می‌شود. به این ترتیب کسی به انتقاد و پیشنهاد تشویق نمی‌شود و فضای سکوت، بی‌صداتر می‌شود.</p>	۲۷

در ادامه ۲۷ پیامد ملاحظه شده در جدول شماره یک عنوان‌گذاری و در چهار دسته پیامدهای اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، اداری-سازمانی و سیاسی داخلی و خارجی طبقه‌بندی شد و تبعات احصایی سکوت ملی در یک نگاه به صورت شکل ۵ استخراج و نهایی شد:



شکل ۵. تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی در یک نگاه

یافته‌های کمی. در این قسمت داده‌های احصایی که از پرسشنامه پنج گزینه‌ای لیکرت در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفته بود در نرم‌افزار وارد شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه را خبرگان تأیید نمودند و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که نتیجه ۸۹/۳ درصد آن نشان از پایایی مناسب پرسش‌نامه می‌باشد و به تفکیک هر بعد نیز در صفحه‌های پیشین آورده شده است. در پرسشنامه، هر پرسش در خصوص یک شاخص، مطابق شکل پنج، سوال کرده است که از این رو پرسشنامه شامل ۲۷ سوال بوده است. لازم به ذکر است که نمونه در مرحله کمی، به

دلیل کمبود خبره، انتخاب ۴۱ متخصص به صورت در دسترس و هدفمند بوده است. خبرگان، اعضای هیأت علمی رشته‌های مدیریت دولتی، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیران اجرایی سازمان‌های دولتی بوده‌اند. در ادامه دو آزمون کمی میانگین یک جامعه آماری و آزمون فریدمن از چهار بعد یادشده پرسشنامه گرفته شد که به شرح زیر است.

نتایج و تفسیر آزمون‌های آماری. آزمون میانگین یک جامعه آماری^۱ در سطح معناداری ۹۵ درصد و با ارزش آزمون^۲ برابر ۳ انجام شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون میانگین یک جامعه آماری

نتیجه آزمون	انحراف معیار استاندارد	سطح معناداری	میانگین	سکوت ملی
تأیید می‌شود	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰	۴/۱۸۷	اداری-سازمانی
تأیید می‌شود	۰/۵۲۰	۰/۰۰۰	۴/۱۷۹	فرهنگی-اجتماعی
تأیید می‌شود	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰	۴/۱۹۰	اقتصادی
تأیید می‌شود	۰/۴۸۴	۰/۰۰۰	۴/۲۲۶	سیاسی داخلی و خارجی
تأیید می‌شود	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۵	تبعات سکوت ملی

$$\begin{cases} H_0: \mu_c \leq 3 \\ H_1: \mu_c > 3 \end{cases}$$

همان‌گونه که مشاهده می‌شود آزمون میانگین ابتدا برای ۴ بعد اداری-سازمانی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و سپس برای کل تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی انجام شده است. نتایج این دو آزمون نشان می‌دهد با توجه به اینکه میانگین همه ابعاد مذکور بالاتر از مقدار ارزش آزمون که برابر ۳ است می‌باشد و از طرف دیگر سطح معناداری صفر می‌باشد و کمتر از ۵ درصد است از این رو فرض H_0 در تمامی موارد رد و فرض H_1 مبتنی بر درستی ابعاد استخراجی تأیید می‌شود. در مرحله بعد از کل تبعات سکوت ملی نیز آزمون میانگین به عمل آمد. نتیجه این آزمون نیز میانگین ۴/۱۹۵ را با سطح معناداری صفر نشان می‌دهد، در نتیجه فرض مخالف مبنی بر وقوع تبعات سکوت ملی در نظام‌های سیاسی دچار این عارضه، تأیید می‌شود.

آزمون فریدمن. آزمون کمی دیگر این پژوهش، آزمون فریدمن^۳ است. از این آزمون برای

1. One Sample T test
2. Test Value
3. Friedman Test

بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی (رتبه‌بندی) تعدادی از متغیرهای وابسته توسط افراد استفاده می‌شود (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹). نتیجه این آزمون شامل دو خروجی است. خروجی اول (جدول ۳) آماری توصیفی است که میانگین رتبه‌های هر بعد را نشان می‌دهد. طبق این جدول بعد سیاسی داخلی و خارجی، دارای بیشترین میانگین رتبه و ابعاد فرهنگی-اجتماعی، اداری-سازمانی و اقتصادی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۳. میانگین رتبه‌های ابعاد سکوت ملی

میانگین رتبه	ابعاد سکوت ملی
۲/۷۶	سیاسی داخلی و خارجی
۲/۴۹	فرهنگی-اجتماعی
۲/۳۹	اداری-سازمانی
۲/۳۷	اقتصادی

خروجی دوم (جدول ۴) به ترتیب تعداد داده‌های هر بعد، مقدار آماره کای دو، درجه آزادی و سطح معناداری را ارائه می‌کند. به دلیل اینکه سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است، فرض H_0 رد شده و ادعای یکسان بودن رتبه (اولویت) این چهار بعد پذیرفته نمی‌شود.^۱

جدول ۴. آزمون فریدمن

تعداد خبرگان	۴۱
کای دو	۲/۴۷۷
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که بیان شد یکی از شاخص‌های نظام‌های سیاسی که از زمان ارسطو تاکنون مورد توجه بوده است مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. مشارکت سیاسی یا دموکراسی یکی از معیارهای اساسی سنجش عملکرد حکومت‌هاست و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد. فقدان این نوع مشارکت عارضه‌ای را در پی دارد که از آن به عنوان سکوت ملی

۲. در بسیاری پژوهش‌ها مشاهده شده است که از آزمون فریدمن برای رتبه بندی متغیرها استفاده می‌کنند در حالی که در آمار هیچ روشی برای تعیین رتبه‌بندی وجود ندارد. آزمون فریدمن تنها می‌تواند به بررسی یکسان بودن رتبه‌ها بپردازد. اگر فرضیه صفر آن رد شود می‌توان نتیجه‌گیری کرد که میانگین رتبه‌ها یکسان نیست ولی هر گونه نتیجه‌گیری دیگر حالت توصیفی دارد و قابلیت اتکا ندارد (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹، ۱۰۷).

یاد شده است. بر کسی پوشیده نیست که در هر جامعه‌ای درجاتی از سکوت وجود دارد؛ اما نادیده گرفتن این پدیده در مراحل اولیه باعث بروز تبعات منفی در ابعاد و جوانب مختلف نظام‌های سیاسی می‌شود. در این پژوهش ضمن واکاوی مفهوم سکوت ملی و نظریه‌های مرتبط با آن، ۲۷ پیامد و عواقب احتمالی ناشی از غلبه سکوت ملی استخراج شد. این پیامدها در قالب چهار بعد سیاسی داخلی و خارجی، فرهنگی-اجتماعی، اداری-سازمانی و اقتصادی طبقه‌بندی شدند. نتایج آزمون کمی میانگین یک جامعه آماری، نشان از تایید رویداد این تبعات در نظام‌های سیاسی دارد. همچنین آزمون فریدمن نشان داد این ابعاد به طور عام و بدون در نظر گرفتن نوع یک نظام سیاسی اولویت‌های یکسانی ندارند. دلیل این امر طبق نظر دوز و لیبست (۱۳۷۳) می‌تواند تفاوت در عواملی نظیر سطح سواد و آگاهی، سطح رفاه، سنت، نژاد و قومیت، باورهای مذهبی، درجه شهرنشینی و درجه مشارکت شهروندان باشد. از این روی اولویت این ابعاد در نظام‌های خاص نیازمند پژوهش‌های مجزا دارد.

بر اساس نظریه ماریچ سکوت نئومن، انسان‌ها با توجه به احساس ترس به طور مداوم محیط خود را ارزیابی می‌کنند و نتیجه این ارزیابی بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین بر اساس نظریه سکوت تدافعی انگیزه این نوع سکوت، احساس ترس در فرد از ارائه اطلاعات است. در واقع گاهی ممکن است افراد به دلیل محافظت از موقعیت و شرایط خود (انگیزه خودحفاظتی) به خودداری از ارائه ایده‌ها، اطلاعات یا نظرات مربوطه بپردازند. سکوت تدافعی شبیه حالتی است که افراد از انتشار خبرهای بد به دلیل آشفتگی شدن افراد یا ایجاد پیامدهای منفی برای شخص خبررسان احتراز می‌کنند (Avery & Quinones, 2002). ماریسون و میلیکن در پژوهشی نشان می‌دهند که سکوت سازمانی منجر به ناهماهنگی شناختی در میان سایر متغیرها شده، بنابراین انگیزش، رضایت و تعهد پایین‌تری در پی خواهد داشت (Fisher, 1979). همچنین سکوت سازمانی موجب احساس بی‌ارزشی، فقدان کنترل و ناهماهنگی شناختی می‌شود که به انگیزش و تعهد پایین منتهی می‌شود (Dimitris & Vakola, 2007, 5). از این رو می‌توان وجود برخی گویه‌های شناسایی شده در ابعاد اداری-سازمانی و فرهنگی-اجتماعی از جمله بی-تفاوتی، بی‌اعتمادی، بداخلاقی‌های اجتماعی، نارضایتی، بی‌انگیزگی، سکوت‌طلبی و فقدان نظام پیشنهادات و انتقادات سازنده را ناشی از وجود چنین فضایی دانست. همچنین پانام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند که همکاری را تسهیل می‌کند. اعتماد و مشارکت به طور متقابل به هم وابسته‌اند. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در یک جامعه مدنی دموکراتیک از جمله مشارکت دارای همبستگی است. اعتماد پیش شرط مشارکت و همکاری است و بین اعتماد و مشارکت رابطه معنا داری وجود دارد (علی‌پور، زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸). فقدان اعتماد به عنوان یکی از پیامدهای

رخداد سکوت خود منجر به کاهش مشارکت عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. سکوت مطیع به عنوان یکی از انواع سکوت به خودداری از ارائه ایده‌ها، اطلاعات یا نظرات مربوطه بر اساس تسلیم و رضایت دادن به هر شرایطی اطلاق می‌گردد و نشان از رفتار کناره‌گیرانه دارد که بیشتر حالتی انفعالی دارد تا فعال (Pinder & Harlos, 2001). از ویژگی‌های رفتاری افراد دارای این نوع سکوت می‌توان مشارکت کم، اهمال، مسامحه، غفلت و رکود را نام برد. پیندر و هارلوز این نوع سکوت را به عنوان عاملی در تقابل با آوا در نظر می‌گیرند که معمولاً شکلی از موافقت یا پذیرش منفعلانه وضعیت موجود است. افراد با داشتن این نوع سکوت، تسلیم وضعیت فعلی شده و هیچ تمایلی برای تلاش در جهت صحبت کردن، مشارکت یا کوشش در جهت تغییر وضعیت موجود ندارند (زارعی متین، طاهری و سیار، ۱۳۹۰). از نظر سیاست داخلی چنین رفتارهای انفعالی در سطوح کلان خط مشی‌گذاری کاهش کیفیت خط مشی‌ها و در دستگاه‌های اجرایی کاهش ظرفیت اجرای خط مشی‌ها را به دنبال خواهد داشت و در بعد اقتصادی رکود و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از پیامدهای احتمالی خواهد بود. همچنین رویکرد انفعالی تک‌تک افراد جامعه در مقابله با نابرابری‌های احتمالی منجر به ایجاد نوعی پذیرش نابرابری و بی‌عدالتی می‌شود و به این ترتیب شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد و لاجرم کارکنان دستگاه‌های دولتی در مسیر برداشتن برخی از شکاف‌ها دست به اقداماتی خلاف قانون خواهند زد و دست اندازی به اموال عمومی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. دانایی‌فرد (۱۳۸۸) نیز بسیاری پیامدهای احصایی ناشی از فضای سکوت را در دو سطح خرد و کلان طبقه‌بندی کرده است که طبقه‌بندی این پژوهش نیز در چهار طبقه یادشده همگونی متناسبی از شاخص‌های احصایی را با شاخص‌های احصایی وی نشان می‌دهد.

پژوهش‌گران در این مقاله کوشیدند تا با یکپارچه کردن دیدگاه‌ها و عقاید مختلف در خصوص موضوع سکوت ملی، سهمی هر چند ناچیز در گسترش مفهوم یادشده داشته باشند و به تشویق پژوهشگران آتی جهت انجام مطالعات گسترده‌تر اهتمام ورزند.

لازم به یادآوری است که پدیده سکوت ملی در هر کشوری به میزانی وجود دارد از این رو پیامدهای احصایی اگرچه از متخصصان ایرانی احصاء شده است ولی در مورد همه کشورها نیز می‌تواند صادق باشد زیرا در هنگام پرسش‌های کیفی صرفاً ایران مد نظر نبوده است گرچه این پیامدها می‌تواند در مورد کشور ما نیز صادق باشد. به عبارت دیگر این پژوهش به گونه‌ای صورت گرفته است که شاخص‌های احصایی، عمومی و عام باشد و کشور خاصی مدنظر این پژوهش نبوده است. از این رو سایر پژوهشگران می‌توانند در پژوهش‌های جداگانه‌ای تبعات سکوت ملی را در کشورهای مدنظر خود به صورت بومی استخراج کنند.

در پایان پیشنهاد می‌شود مدیران و کارگزاران دولتی توجه بیشتری به پدیده سکوت ملی

نمایند و با فراگیری فن شنود موثر گوش شنوایی برای نظرات و آراء مختلف شهروندان از طیف‌های مختلف قومی، حزبی، مذهبی و غیره باشند تا شهروندان با صدا دادن بر سکوت به تعالی هر چه بیشتر جامعه کمک نمایند و وحدت کلمه که مد نظر تمام کشورهای دموکراتیک است محقق شود.

منابع

۱. آب نیکی، ح. (۱۳۹۰). جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش سیاست نظری، ۱۰، ۱۳۲-۱۰۹.
۲. امام خمینی. (۱۳۶۲). در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سیزدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. دانایی‌فرد، ح. (۱۳۸۶). همسازی پژوهش‌های کمی و کیفی: تأملی بر پژوهش‌های شیوه‌های ترکیبی. حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، ۵۳(۱۳)، ۶۳-۳۵.
۴. دانایی‌فرد، ح. (۲۶ و ۲۷ دی‌ماه ۱۳۸۸). نظریه فرایند شکل‌گیری سکوت ملی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک، تهران: هتل المپیک.
۵. دانایی‌فرد، ح.، و پناهی، ب. (۱۳۸۹). تحلیل نگرش‌های شغلی کارکنان سازمان‌های دولتی: تبیین جو سکوت سازمانی و رفتار سکوت سازمانی. پژوهش‌نامه مدیریت تحول، ۲(۳)، ۱۹-۱.
۶. دانایی‌فرد، ح.، فانی، ع. ا.، و براتی، ا. (۱۳۹۰). تبیین نقش فرهنگ سازمانی در سکوت سازمانی در بخش دولتی. چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱(۲)، ۸۲-۶۱.
۷. دنهارت، ر. ب. (۲۰۱۱). تئوری‌های سازمان دولتی. ترجمه: سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد (۱۳۹۳). تهران: انتشارات صفار.
۸. دوز، ر. ا.، و لپیست، س. م. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه: محمدحسین فرجاد، تهران: توس.
۹. ربیعی، ع. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۱۰. رجیبی، ه. (۱۳۹۲). تأثیر شورای اسلامی شهر تهران بر نگرش شهروندان تهرانی نسبت به مشارکت سیاسی. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳(۴)، ۹۷-۱۱۲.
۱۱. زارعی‌متین، ح.، طاهری، ف.، و سیار، ا. (۱۳۹۰). سکوت سازمانی: مفاهیم، علل و پیامدها. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۶(۲۱)، ۷۷-۱۰۴.
۱۲. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۷۷). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.
۱۳. سلیمیان، خ. (۱۳۹۱). بیعت، سازوکار مشارکت سیاسی مردم در حکومت مهدوی. انتظار موعود، ۳۷(۱۲)، ۸۹-۱۱۲.
۱۴. سیدامامی، ک. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۲)، ۷۸-۵۹.
۱۵. علی‌پور، پ.، زاهدی، م. ج.، و شیانی، م. (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۰(۲)، ۱۳۵-۱۰۹.
۱۶. قلی‌پور، ر.، دانایی‌فرد، ح.، زارعی‌متین، ح.، جندقی، غ. ر.، و فلاح، م. (۱۳۹۰). ارائه مدلی برای اجرای خط‌مشی‌های صنعتی: مطالعه موردی در استان قم. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۹(۲)، ۱۳۰-۱۰۳.
۱۷. گرجی، ا.، و اقبالی، ع. (۱۳۹۰). بررسی اقتصاد رانتهی با تأکید بر سیکل‌های تجاری-سیاسی، تحلیلی تئوریک. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲۳(۳)، ۱۵۴-۱۳۷.

۱۸. لکزی، ن.، و مقیمی، ع. ح. (۱۳۹۰). نسبت مشروعیت و مشارکت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره). پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه همدان)، ۱(۱)، ۱-۲۸.
۱۹. مومنی، م.، و فعال قیومی، ع. (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. چاپ سوم. تهران: کتاب نو.
۲۰. نادری، ح.، بنی فاطمه، ح.، و حریری اکبری، م. (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی. نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱۴(۶)، ۶۰-۲۹.
۲۱. نصر اصفهانی، ع. (۱۳۸۹). چاپلوسی در سازمان. مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۲(۸)، ۹۵-۱۱۴.
۲۲. واینر، م.، و هانتینگتن، س. پ. (۱۹۷۴). درک توسعه سیاسی. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۷۹). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
23. Avery, D. R. & Quinones, M. A. (2002). Disentangling the effects of voice: the incremental roles of opportunity, behavior, and instrumentality in predicting procedural fairness. *Journal of Applied Psychology*, 87, 6-81.
24. Bandura, A. (1982). self efficacy mechanism in human agency. *American Psychologist*, 37(2), 122-47.
25. Barston, R. P. (2006). *Modern diplomacy* (3rd ed.). New Delhi: Pearson Education.
26. Bell, M. P., Ozbilgin, M. F., Beauregard, T., & Surgevil, O. (2011). Voice, silence, and diversity in 21st century organizations: Strategies for inclusion of gay, lesbian, bisexual, and transgender employees. *Human Resource Management*, 50(1), 131-146.
27. Bowen, F., & Blackmon, K. (2003). Spirals of Silence: The Dynamic Effects of Diversity and Organizational Voice. *Journal of Management Studies*, 40(6), 1393-1417.
28. Brinsfield, C. T. (2009). *Employee silence: investigation of dimensionality, development of measures, and examination of related factors*. Retrieved from ProQuest dissertation and theses database (UMI number:3376084).
29. Brinsfield, C. T. (2013). Employee silence motives: Investigation of dimensionality and development of measures. *Journal Of Organizational Behavior*, 34(5), 671-697.
30. Bruneau, T. J. (1973). Communicative silences: forms and functions. *Journal of Communication*, 23(1), 17-46.
31. Cage, J. (1961). *Silence*. MIT Press: Cambridge, MA.
32. Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative and Mixed Methods Approaches*. Thousand Oaks, CA: Sage.
33. Candi, M. (2009). The sound of silence: Re-visiting silent design in the internet age. *Design Studies*, 31(2), 187-202.
34. Deniz, N., Noyan, A., & Gülen Ertosun, G. (2013). The Relationship between Employee Silence and Organizational Commitment in a Private Healthcare Company. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 6, 691-700.
35. Dimitris, B., & Vakola, M. (2007). Organizational silence: A new challenge for human resource management, *Paper of HR Conference*. Athens university of economics and business, 1-19.
36. Dostal, W. (1994). Silence in the darkness: German ethnology during the National Socialist Period. *Social Anthropology*, 2(3), 251-262.

37. Ephratt, M. (2008). The functions of silence. *Journal of Pragmatics*, 40(11), 1909-1938.
38. Fisher, C., (1979). Transmission of positive and negative feedback to subordinates: a laboratory investigation. *Journal of Applied Psychology*, 64(5), 533-540.
39. Glynn, J. C., & McLeod, J. (1984). Public opinion du jour: An examination of the spiral of silence. *Public Opinion Quarterly*, 48(4), 731-740.
40. Henriksen, K., & Dayton, E. (2006). Organizational Silence and Hidden Threats to Patient Safety. *Health Services Research*, 41(4P2), 1539-1554.
41. Jensen, J. V. (1973). Communicative functions of silence. *A Review of General Semantics*, 30(3), 249-257.
42. Johannesen, R. L. (1974). The functions of silence: a plea for communication research. *Western Speech*, 38(1), 25-35.
43. Kurzon, D. (2007). Towards a typology of silence. *Journal of Pragmatics*, 39(10), 1673-1688.
44. Lane, R. E. (1959). *Political Life: Why People Get Involved in Politics*. Glencoe: The Free Press.
45. Malami, U., & Zaiton, H. (2013). Antecedents and outcomes of voice and silence behaviors of employees of tertiary educational institutions in Nigeria. *The 9th International Conference on Cognitive Science*, Published by Elsevier Ltd. Procedia.
46. Milbrath, L. (1981). *Political Participation*, Hand Book of Political Behavior (4th ed.). S.Long, New york: Plenum press.
47. Morrison, E., & Milliken, F. J. (2000). Organizational Silence: A Barrier To Change And Development In A Pluralistic World. *Academy Of Management Review*, 25(4), 706-725.
48. Noelle-Neumann, E. (1974). The Spiral of Silence. A Theory of Public Opinion. *Journal of Communication*, 24(2), 43-51.
49. Park, C., & Keil, M. (2009). Organizational Silence and Whistle-Blowing on IT Projects: An Integrated Model. *Decision Sciences*, 40(4), 901-918.
50. Pinder, C. C. & Harlos, K. P. (2001). Employee silence: quiescence and acquiescence as responses to perceived injustice. In Rowland, K. M., & Ferris, G. R. (Eds), *Research in Personnel and Human Resources Management*, Vol. 20. New York: JAI Press, 331-69.
51. Robbins, S. P., & Judge, T. A. (2009). *Organizational behavior* (13th ed.). Pearson: Prentice Hall.
52. Rush, M. (1992). *Politics & Society An introduction to political sociology*, London: Horvester, chapter G, Political participation.
53. Salmon, C. T., & Kline, F. G. (1985). The Spiral of Silence Ten Years Later. An Examination and Evaluation. In: Keith R. Sanders., Lynda L. Kaid, & Dan Nimmo (Eds.). *Political Communication Yearbook 1984*. Carbondale, Edwardsville, 3-30.
54. Scheufele, D. (2007). *Spiral of Silence Theory*. The Sage Handbook of Public Opinion Research, 175-183.
55. Shojaie, S., Zaree Matin, H., & Barani, Gh. (2011). Analyzing the Infrastructures of Organizational Silence and Ways to Get Rid of it. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 1731-1735.
56. Tahmasebi, F., Sobhanipour, M., & Aghaziarati, M. (2013). Burnout:

Explaining the Role of Organizational Silence and Its Influence (Case study: Selected Executive Organizations of Qom Province). *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3(8), 272-282.

57. Wang, Y., & Hsieh, H. (2013). Organizational ethical climate, perceived organizational support, and employee silence: A cross-level investigation. *Human Relations*, 66(6), 783-802.